



غلامحسین ابراهیمی دینانی: دو من داریم؛ من حلاج و من فرعون/ عقل متواضع ترین موجود عالم است

ابراهیمی دینانی در نشست «من و جز من» گفت: در تمام دنیا دو من داریم، یک من حلاجی و یک من فرعونی. منصور می خواست من فرعونی را بشکند و بگوید غیر از خدا، منی وجود ندارد.

ابراهیمی دینانی در نشست «من و جز من» گفت: در تمام دنیا دو من داریم، یک من حلاجی و یک من فرعونی. منصور می خواست من فرعونی را بشکند و بگوید غیر از خدا، منی وجود ندارد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست فلسفی «من و جز من» با حضور غلامحسین ابراهیمی دینانی، ظهر امروز یکشنبه ۲۹ فروردین در تالار کمال دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد.

دینانی در ابتدای این نشست گفت: هر کجا فلسفه باشد، انسانی است و اینجا گروه فلسفه است. آنجایی که فلسفه نیست نمی دانم اسمش را چه بگذارم. زندگی هست ولی نمی دانم چه طور زندگی ای است. موضوع بحث امروز هم یکی از کتاب های من به نام «من و جز من» است. موضوع من و دیگری در فلسفه مغرب زمین بسیار محل توجه بوده به خصوص از دکارت شروع می شود که گفت «می اندیشم، پس هستم». خواسته باشد و نخواست به باشد این مسئله را مطرح کرد حالا چه خودش گفته باشد یا خودش نگفته باشد. از این جمله، این حرف در می آید؛ «من و دیگری». مسأله این است که آیا در اسلام هم در این مورد بحث شده است؟

وی افزود: بنده کتابی در این باره من ندیدم. در یهود، مسیحیت و اسلام در هر سه کتاب تورات، انجیل و قرآن کریم این مسئله یک مسئله اساسی است. خداوند با اشاره به حرف حضرت موسی(ع) که می گوید «ارنی» یعنی «می خواهم ببینم»، می فرماید: «انی انا الله» یعنی «من منم». خداوند حالا یک لن ترانی هم گفت یعنی «تا ابد نمی توانی من را ببینی». خدا خودش را اینگونه معرفی می کند «من منم». اگر کسی بگوید من منم آیا خودش را معرفی کرده است؟

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: این حرف در انجیل، تورات و قرآن کریم بوده، اما به آن توجه نشده است. ابن سینا به این حرف توجه کرده است. در تمام ادبیات زنده دنیا سه ضمیر اصلی است، من، تو، او (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) ضمیر یعنی چه؟ ضمیر یعنی پنهان. اسم ضمیر در مقابل اسم ظاهر است. در زبان، یک اسم ظاهر داریم زید، حسن، حسین و یک اسم ضمیر داریم او، هو، انت، تو که هستی؟ بدنی؟ روحی؟ بگو بدن و روح هستم. معضل بزرگ این است که وقتی می گوئید من ضمیر، مرجع می خواهد. مرجع این ضمیر چیست؟ حالا انا مرجع ضمیر چیست؟ به خودتان بگویید من، حالا مرجع آن چیست؟

وی افزود: من یعنی تن من. پس چرا می گوئید من؟ وقتی می گوئید من، مرجع این ضمیر چیست؟ به سینه خودتان اشاره می کنید یعنی من. آیا این مرجع ضمیر است؟ بعضی ها می گویند نفس من. می گویند روح و تن من. تو روح و تنی؟ یا روح و تن دارید؟ اگر بگوییم روح و تنم، اشتباه است، بسیط است. روح و تن هستم؟ یا روح و تن دارم؟ می گوئید آن کسی که دارد آن کیست؟ دکارت فیلسوف بزرگی است مسیر تفکر را عوض کرده است. متودلوژی اگر نبود، علم هم نبود. اگر فلسفه نباشد چه چیزی هست؟ جرأت نمی کنم بگویم که اگر فلسفه نباشد چه چیزی نیست. می ترسم بگویم. شاید هیچ چیز نباشد.

دینانی ادامه داد: دکارت گفت می اندیشم پس هستم. حرف مهمی است. ما در فارسی ترجمه اش کرده ایم می اندیشم. این یعنی من می اندیشم. حالا اندیشه اول است یا من اول هستم؟ او می گوید می اندیشم پس هستم. هستم می اندیشم یا می اندیشم پس هستم؟ همه می گویند می اندیشم. هستم. آدمی که نیندیشد نمی فهمد چه کسی هست؟ اندیشیدن است یا اندیشنده؟

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اضافه کرد: مثلی هست که اینجا حتی خداوند هم با آن مواجه است. اندیشیدن یک مثلث دارد؛ اندیشیده، اندیشیدن، اندیشیده شده. عالم، علم و معلوم. خداوند عالم است. علم معلوم است. خدا عالم است و علم دارد به خودش. در مرحله اول علم دارد. چون به خودش علم دارد و به همه چیز علم دارد. اما ربات که ساخته انسان است به خودش علم ندارد پس به چیز دیگری علم ندارد.

وی خاطرنشان کرد: شما چون خود را می دانید چیزهای دیگر را می دانید. به اندازه ای که خود را می شناسید می توانید عالم و فلک را بشناسد. عالم نمی تواند شما را بشناسد شما عالم را می شناسید. تن شما در این عالم است ولی آگاهی شما بر عالم

اشراف دارد. آگاهی، محیط است. اول من است یا اندیشه من؟ یک جواب خوب طلبگی می توانم بدهم؛ اینجا یک مقام ثبوت داریم یک مقام اثبات.

دینانی ادامه داد: هر چیزی دو مقام دارد؛ ثبوت و اثبات. ثبوت آن چنان که هست هست. اثبات آن است که برای شما اثبات می شود. یعنی من می گویم هست. الان این میز برای همه شما است. این میز ثبوت دارد خودش هم اثبات است. حق با دکار است؛ می اندیشم پس هستم. در مقام ثبوت اندیشه اول است یا من؟ مولوی گفته ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی استخوان و ریشه ای.

دینانی تصریح کرد: ابن سینا یک حرفی دارد اسمش کلی طبیعی است. ما یک کلی عقلی داریم یک کلی طبیعی. علم حصول می گویند طبیعت با یک فرد معلوم می شود اما اگر بخواهیم طبیعت نابود شود باید همه طبیعت از بین برود. ابن سینا مخالف این حرف را می زند. می گوید طبیعت با یک فرد موجود می شود و با از بین رفتن یک فرد نابود می شود. تمام مسئله ابن سینا این است می گوید طبیعت با یک فرد موجود می شود و با یک فرد نابود می شود.

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اظهار داشت: من کیستم؟ I, Am, Who این من را نمی شود گرفت. تن ما خاک می شود، فکر ما عوض می شود ولی من همان من می ماند. هر نفسی که می کشید غیر نفس آخر است اما بعد از ۵۰ سال می گویند من یعنی همان من سابق.

وی افزود: هیچ کجا نمی تواند من نباشد. خدا به تو فکر می دهد یا تو فکر خدا را می کنی؟ شما بیش از خودت نمی توانی فکر کنی. به خدا فکر می کنی نعوذ بالله یعنی به خدا اشراف داری؟ مقام اثبات و ثبوت اینجا است. هزار سال در فلسفه اسلامی شرح انا الحق حلاج مطرح بوده است. حلاج بزرگترین فیلسوف عالم بود. گفت انا الحق و رفت سر دار. انا گفتن او من زید و حسن و حسین و منصور حلاج نبود. اگر آن باشد کفر فرعون است. چه چیزی می خواست به ما یاد بدهد؟ می خواست بگوید دیگر من نیستم یک من مطلق است و آن خدا است.

دینانی اضافه کرد: در تمام دنیا دو من داریم؛ یک من حلاجی است و یک من فرعون. منصور می خواست من فرعون را بشکند و بگوید غیر از خدا منی وجود ندارد. مسئله من خیلی پیچیده است. الان انسان به خیلی چیزها دست یافته است و عالم و طبیعت را تسخیر کرده است. اما همان که دارد طبیعت را تسخیر می کند خودش را نمی تواند تسخیر کند. همه چیز را می شناسد ولی خودش را نمی تواند بشناسد.

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: متواضع ترین موجود عالم هستی عقل است. نادان های عالم که ضد فلسفه هستند می گویند عقل مغرور است. به خدا قسم متواضع تر از عقل در عالم هستی وجود ندارد. خیال، حس، وهم و طبیعت متواضع نیستند. عقل متواضع ترین موجود عالم است.